

# بررسی شش دوره نمایشگاه تجلی احساس

محمد کاظم حسنونند\*، فروغ مهدی پور\*\*

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۰۸

تاریخ تصویب: ۹۲/۰۲/۲۸

## چکیده

نیمی از جمعیت هر جامعه را زنان تشکیل می‌دهند؛ بدین ترتیب در توانمندی و توسعه هر جامعه نقشی تعیین‌کننده دارند. زنان قرن حاضر در تمام زمینه‌های جامعه حضور داشته‌اند؛ به گونه‌ای که دیگر نمی‌توان رد پای آن‌ها را نادیده گرفت. در این میان، نقش زنان در عرصه‌های هنری نیز روز به روز در حال افزایش است؛ به طوری که شاهد حضور پررنگ زنان هنرمند در نمایشگاه تجلی احساس طی سالیان متمادی بوده‌ایم. با توجه به اهمیت نقش زنان در هنر، به‌ویژه هنر نقاشی، نویسندگان به دنبال پاسخ به سؤال‌های زیر هستند: در آثار ارائه شده در نمایشگاه تجلی احساس به چه موضوع‌هایی پرداخته شده است و آیا زنان نقاش، به مدرنیسم گرایش داشته‌اند؟ برای پاسخ به این سؤال‌ها، آثار هنرمندان بر اساس موضوع مشترکی که در شش دوره به نمایش درآمده بود، تفکیک شد و مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از آن بود که آثار زنان نقاش معاصر ایران در نمایشگاه تجلی احساس، موضوع‌های (طبیعت، طبیعت بیجان، آبستره و تجرید و نگارگری) مورد توجه هنرمندان قرار گرفته است. همچنین، در دوره‌های پایانی نمایشگاه، شاهد گرایش هنرمندان به سبک‌های مدرن هستیم. زنان هنرمند در هنرهای تجسمی به جایگاه هنری بسیار خوبی رسیده‌اند و تحت تأثیر فرهنگ و جهان‌بینی آن جامعه‌اند.

در این مقاله موضوع‌هایی مانند مبانی نظری، نمایشگاه تجلی احساس، بررسی کمی موضوع‌های نمایشگاه، بررسی کیفی طبیعت و منظرپردازی، طبیعت بیجان، سبک انتزاعی و نگارگری و تذهیب پرداخته شده است.

**کلیدواژه‌ها:** نقاشی، زنان، نمایشگاه، تجلی احساس، ایران.

## مقدمه

کرده‌اند. به همین منظور اصل و هدف حرکت زنان، ایجاد نوعی تعادل اجتماعی بین افراد جامعه و تأثیر آن بر روابط انسان‌هاست. در ادامه باید بر این نکته تأکید کرد که کاهش حضور زنان به دلیل شرایط اجتماعی و تفاوت‌های مذهبی است تا عواملی همچون فقدان کارآمدی یا عدم استعداد و قابلیت‌های ذاتی آنان. بنابراین در طول تاریخ، هنر زنان ضمن بهره‌بردن از جنبه‌های کاربردی و پیوستگی با زندگی روزانه، ابزاری مهم برای ثبت و بیان احساس‌ها و عواطف این هنرمندان بوده است.

هنر امروز به‌واسطه تنوع و تکثر، علاوه بر دارا بودن ویژگی‌های هنر دوران گذشته، قابلیت‌های جدیدی نیز دارد. هنر به‌عنوان تجلی و تبلور ایده و عقیده انسان در توجه به زن به‌عنوان تابعی در مبانی ثابت یا عصر جهان‌بینی‌ها عمل کرده است. نقش و حضور زنان در جامعه و فعالیت‌های فرهنگی، هنری و اجتماعی آنان کاملاً مشهود است. زنان نقاش طی سال‌های اخیر، برای راه‌یافتن به جایگاه مناسب در هنر معاصر ایران تلاش بسیاری

در واقع، آنچه در نقاشی زنان ایران دیده می‌شود، بروز استعدادها و شکوفایی آثار هنری آنان است و نقش حساسی که در جنبش هنر معاصر ایران ایفا کرده‌اند؛ زیرا زنان هنرمند ایران امروز پشتوانه‌ای بزرگ را از تاریخ دگرگونی‌ها دارند.

بر اساس تحقیق‌ها و بررسی زیباشناسانه آثار هنری نمایشگاه تجلی احساس، درباره نقش و جایگاه زنان نقاش در هنر معاصر ایران، راهکارهایی به دست آمده است که بیانگر نقش آنان در جامعه و هنر است. یکی از این راهکارها بررسی محتوایی آثار هنری است؛ زیرا آثار هنری جامعه مانند رسانه، می‌تواند نمایشگر بخشی از اندیشه عمومی آن جامعه باشد.

### مبانی نظری

نوشتن درباره زن، بدون نگاه ساختاری و کلی به گذر تاریخی، سرنوشت یک ملت یا یک دوره تاریخی جهانی امکانپذیر نیست. از سوی دیگر، امروزه گفتمان زنان، گفتمانی جهانی است؛ زیرا هزاره سوم به اعتقاد اندیشمندان معاصر، هزاره‌ای است که ظهور مجدد مذهب، دموکراسی‌های انجمنی در مقابل دموکراسی پارلمانی، گونه‌گونگی و... از بحث‌های عمده آن است. یکی دیگر از این بحث‌ها مربوط به زنان است؛ به طوری که بسیاری این هزاره را «هزاره زنان» نامیده‌اند. در زمان حاضر، تعداد بی‌شماری از اندیشمندان، منتقدان و هنرمندان را زنان تشکیل می‌دهند. بی‌تردید این جمعیت فزاینده در شکل‌گیری حال و آینده جهان نقش انکارناپذیری دارند؛ از همین رو مضمون و گفتمان زن‌مدار و زنانگی به مرزهایی رسیده که در هیچ یک از ادوار تاریخ نظیر نداشته است. همچنین، دامنه این مطالعات تنها محدود به حوزه‌های جامعه‌شناسی و حقوق نشده است و به سایر حوزه‌ها، از جمله فرهنگ و هنر نیز سرایت کرده است (رهنورد، ۱۳۸۵: ص ۴).

در کشور ما نیز، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گفتمان زنان رایج و یکی از سرفصل‌های پژوهش‌های دانشگاهی بوده است؛ از این رو گفتن و نوشتن درباره زن، نه تنها کاری زنانه و حتی

زن‌مدار نیست؛ بلکه کاری اجتماعی، فرهنگی و حتی مربوط به مصالح ملی کشور ما و شرایط جهانی است. دگرگونی‌های دویست سال گذشته بر همه شئون ملی و از آن میان، بر هنر امروز ایران اثر گذاشت و مانند جنبشی قابل توجه در گستره ملی و جهانی حضور یافت؛ ولی ریشه‌های ژرف آن به گذشته بازمی‌گردد. نگاهی به دوسالانه (بی‌ینال)‌های تهران و نمایشگاه تجلی احساس، پیش و پس از انقلاب نشانگر افزایش حضور زنان در هنر معاصر است.

البته کندوکاوی بی‌امان نیاز بوده است تا در قالب فرم و محتوا و بر اساس رویکردهای طبیعت‌گرایانه، رئالیستی، اکسپرسیونیستی، آبستره و تجرید و رویکردهای بومی - محلی با نگاهی نو، به حضور زنان هنرمند در تاریخ هنر معاصر ایران در شش دوره از برگزاری این نمایشگاه پرداخته شود. رویکرد نظری در این مقاله، مطالعه استراتژی‌های آثار زنان نقاش است که در آثار خود به کار برده‌اند. این استراتژی‌ها شامل شگردهای بصری است که ذهنیت بیننده را به چالش می‌کشاند. برنامه عملی ما نیز آمار و بررسی آثار زنان نقاش در شش دوره نمایشگاه با روش نمونه‌گیری است.

### نمایشگاه تجلی احساس

هنگامی که از هنر زنان سخن گفته می‌شود، پیش از هر چیز باید به تفاوت آن با هنر فمینیستی و زنانه توجه شود. هنر زنان به هنری اطلاق می‌شود که زنان خلق کرده‌اند؛ اما هنر زنانه هنری است با فرض خصوصیت‌های زنانه برای اثری که پدیدآورنده آن ممکن است مرد باشد. هنر فمینیستی هنری است که موضوع آن را احساس‌ها و تجربه‌های زیستی، عاطفی و هیجانی زن تشکیل می‌دهند (نراقی، ۱۳۸۵: ص ۴۵).

تجربه‌هایی که با صراحتی بی‌سابقه به نمایش درمی‌آیند و تلاشی عامدانه را برای دستیابی به فرم و زبان زنان منعکس می‌کنند، در نمایشگاه تجلی احساس می‌توان دید که ویژه بانوان است. این نمایشگاه به مناسبت ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) و بزرگداشت مقام و منزلت زن و با

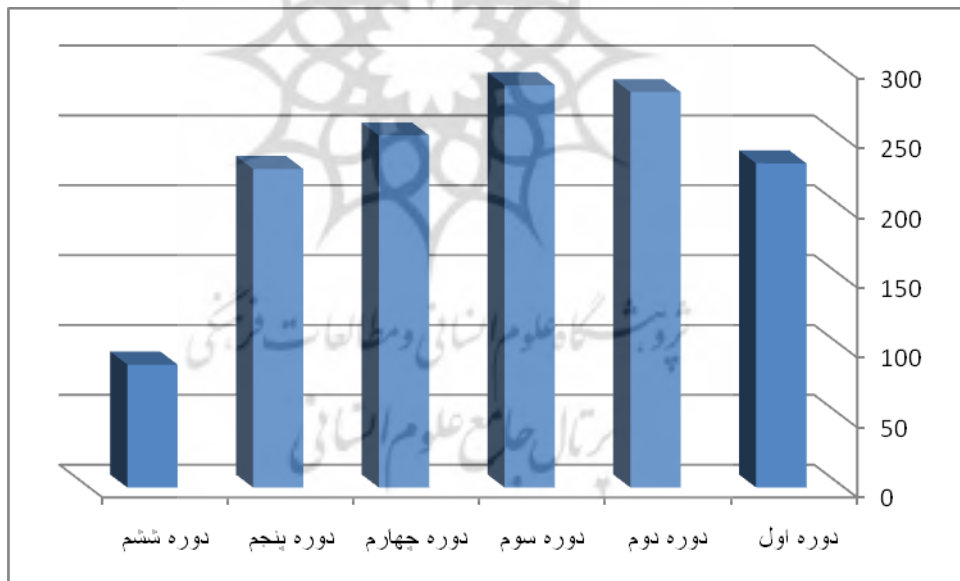
هدف کنار هم قراردادن آثار زنان نقاش، کار خود را آغاز کرده است و گوشه‌ای از این واقعیت که زنان شایسته این سرزمین، بویژه استعداد‌های خلاق و جوان هنری را بیان می‌کند که در لطافت بیان احساس هنری، ادراک و قدرت فن و تکنیک به قلمروهای تازه‌ای گام نهاده‌اند.

از اهداف دیگر این نمایشگاه، کشف استعداد زنان هنرمند، نمایش پیشرفت هنری هنرمندان زن ایرانی، توسعه هنر مبتنی بر ارزش‌های والای معنوی و فرهنگ دینی و علمی، معرفی زنان هنرمند ایرانی و ایجاد زمینه برای ظهور ظرفیت‌های هنری است. از ملموس‌ترین نتایج این تحول سترگ اجتماعی، فرهنگی و هنری افزایش مشارکت زنان هنرمند جامعه ما در عرصه هنر و بالندگی و شکوفایی استعداد‌های ارزنده هنر متعهدانه زن ایرانی است.

در ادامه، باید از زنان نقاشی یاد کرد که از

پیشکسوتان هنر معاصر بوده‌اند و در روند شکل‌گیری جنبش نوگرایی ایران، نقشی اساسی ایفا کرده‌اند. این هنرمندان کسانی چون منصوره حسینی، ایران درودی، مینو اسعدی، فرح اصولی و زهرا رهنورد هستند که در شش دوره نمایشگاه حضور داشته‌اند؛ اما بیشتر هنرمندان شرکت‌کننده از تحصیلات آکادمیک برخوردار نیستند و این‌گونه به نظر می‌رسد که نقاشی برای این زنان جنبه تفریح و سرگرمی داشته است نه یک حرفه.

تعداد هنرمندان شرکت‌کننده در نمایشگاه بدون داشتن محدودیت سنی به این شرح است: دوره اول ۲۳۲ هنرمند؛ دوره دوم ۲۸۳ هنرمند؛ دوره سوم ۲۸۸ هنرمند؛ دوره چهارم ۲۵۲ هنرمند؛ دوره پنجم ۲۲۸ هنرمند و دوره ششم ۸۸ هنرمند حضور داشته‌اند که این روند نزولی است؛ اما تخصصی‌تر شدن آن پس از گذشت یک دهه از برپانشدن نمایشگاه قابل مشاهده است (شکل ۱).



شکل ۱: تعداد زنان شرکت‌کننده در نمایشگاه

### بررسی کمی موضوع‌های نمایشگاه

در نقاشی معاصر ایران ضمن آنکه از نظر فنی و تکنیکی شیوه‌های متعددی دیده می‌شود، موضوع‌های متعددی نیز دستمایه کار نقاشان است. برای بررسی میزان توجه به موضوع‌ها (طبیعت و منظره، طبیعت بیجان) و سبک‌های (آبستره

و تجریدی و نگارگری) در نقاشی معاصر ایران به‌عنوان آثار هنری نمایشگر ارزش‌ها در فرهنگ معاصر، روش نمونه‌گیری احتمالی طبقه‌بندی شده اتخاذ شده است. این امر باعث شد به لحاظ کمی، آثار نقاشی زنان در شش نمایشگاه تجلی احساس مد نظر قرار گیرد.

ویژگی‌های انتخاب این آثار به‌عنوان جامعه آماری به این شرح است:

در نمایشگاه نقاشی، موضوع برای ارائه آثار آزاد است که این امر موجب می‌شود، هر هنرمند موضوع و دغدغه‌های ذهنی خود را مطرح کند.

۱. شرکت در این نمایشگاه برای عموم آزاد است و از پیشکسوتان نقاشی نیز برای ارائه اثر به‌طور جداگانه دعوت می‌شود.

۲. برای برگزاری هر یک از این نمایشگاه‌ها، هیئت داوران آثار را بررسی و بهترین آن‌ها را برای شرکت در نمایشگاه انتخاب می‌کنند که این موضوع کیفیت فنی و محتوایی آثار نمایشگاه را تأیید می‌کند.

آثار به‌نمایش درآمده در هر دوره نمایشگاه در مجموعه‌ای چاپ می‌شود و به‌عنوان سندی برای بررسی تحول نقاشی زنان معاصر ایران موجود است. چنان‌که مشاهده می‌شود از آثارهای جسته و گریخته و به‌جامانده از آرشیو این رویداد چنین برمی‌آید که کسی از آمار صحیح شمار آثار اولین دوره خبری ندارد که با توجه به بحران‌های آماری

اخیر کشور، این نکته بسیار اهمیت دارد. به دلیل اینکه معمولاً ما با تفاوت در آمارها و تناقض آن‌ها مواجهیم؛ به ظاهر هیچ‌گونه آمار تقریبی از دوره نخست در دست نیست؛ اما تجلی دوم با ۷۶۱ اثر، تجلی سوم با ۸۵۰ اثر، تجلی چهارم با ۱۲۳۶ اثر، تجلی پنجم با ۷۱۰ اثر و تجلی ششم با ۲۰۰۰ اثر به دبیرخانه نمایشگاه ارسال شده است که بیانگر رشد حضور زنان در عرصه هنر و جامعه است. همچنین، آثار به‌نمایش درآمده پس از داوری‌ها در نخستین دوره، ۲۲۸ اثر؛ دومین دوره ۲۶۹ اثر؛ سومین دوره ۲۷۵ اثر؛ چهارمین دوره ۲۳۱ اثر؛ پنجمین دوره ۲۱۶ اثر و ششمین دوره ۱۱۱ بوده است (جدول ۱ و شکل ۲).

برای اجتناب از برداشت‌های شخصی در تأویل مفاهیم و شناخت موضوع مورد نظر هنرمند، آثاری در جامعه آماری مد نظر قرار گرفته که در آن‌ها یا عنوان اثر و یا عناصر عینی قابل لمس بوده است؛ به این دلیل که نقاشی از موضوع‌های فیگوراتیو همچون طبیعت و منظره طبیعت بیجان و سبک‌های آبستره و تجریدی، نگارگری

جدول ۱: بررسی کمی آثار در شش دوره نمایشگاه تجلی احساس

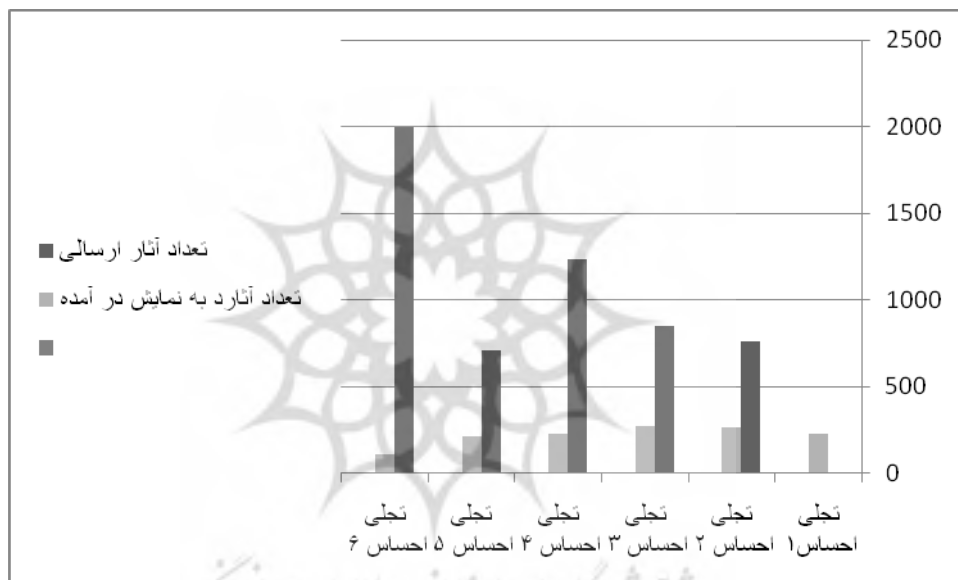
عنوان نمایشگاه	تاریخ برگزاری	تعداد آثار ارسالی به دبیرخانه نمایشگاه	تعداد آثار به نمایش درآمده	تعداد آثار با موضوع طبیعت و منظره	تعداد آثار با موضوع طبیعت بیجان	تعداد آثار با سبک آبستره و تجریدی	تعداد نگارگری و تذهیب
تجلی احساس ۱	۱۳۷۱	آماري موجود نیست	۲۲۸	۵۰	۲۷		
				۲۲٪ از کل آثار	۱۱٪ از کل آثار		
تجلی احساس ۲	۱۳۷۴	۷۶۱	۲۶۹	۳۹	۵۷	۳۱	
				۱۴٪ از کل آثار	۲۱٪ از کل آثار	۱۱٪ از کل آثار	
تجلی احساس ۳	۱۳۷۵	۸۵۰	۲۷۵	۴۳	۳۸	۱۷	
				۱۵٪ از کل آثار	۱۳٪ از کل آثار	۶٪ از کل آثار	
تجلی احساس ۴	۱۳۷۶	۱۲۳۶	۲۳۱	۱۷	۴۰	۶	
				۷٪ از کل آثار	۱۷٪ از کل آثار	۲٪ از کل آثار	
تجلی احساس ۵	۱۳۷۷	۷۱۰	۲۱۶	۲۰	۲۹	۵	
				۹٪ از کل آثار	۱۳٪ از کل آثار	۲٪ از کل آثار	
تجلی احساس ۶	۱۳۸۸	۲۰۰۰	۱۱۱	۳	۴۰		
				۲٪ از کل آثار	۲۹٪ از کل آثار	۳۶٪ از کل آثار	

و تذهیب، مد نظر هنرمندان نقاش بوده است. نمونه‌گیری در آثار نقاشی بر اساس این معیارها انجام گرفته است:

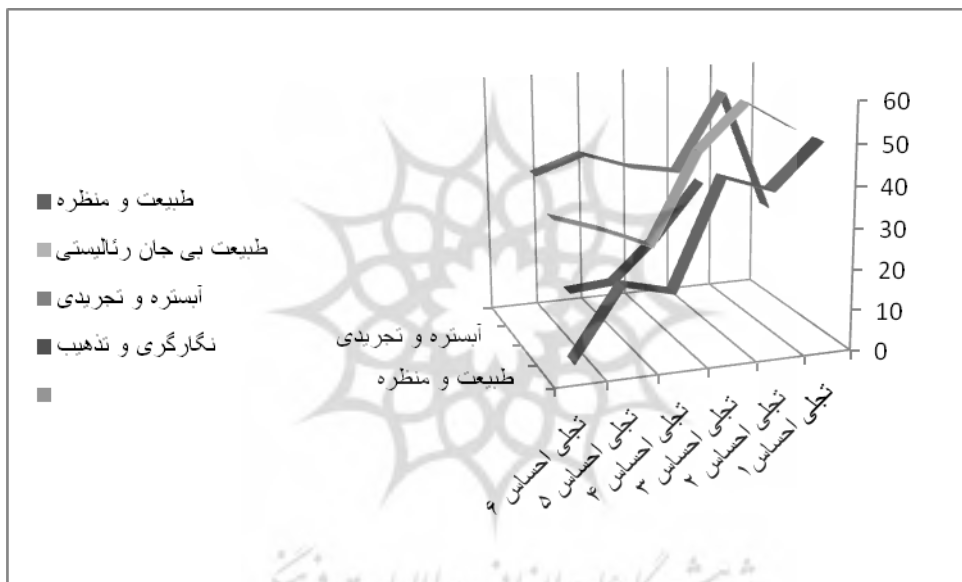
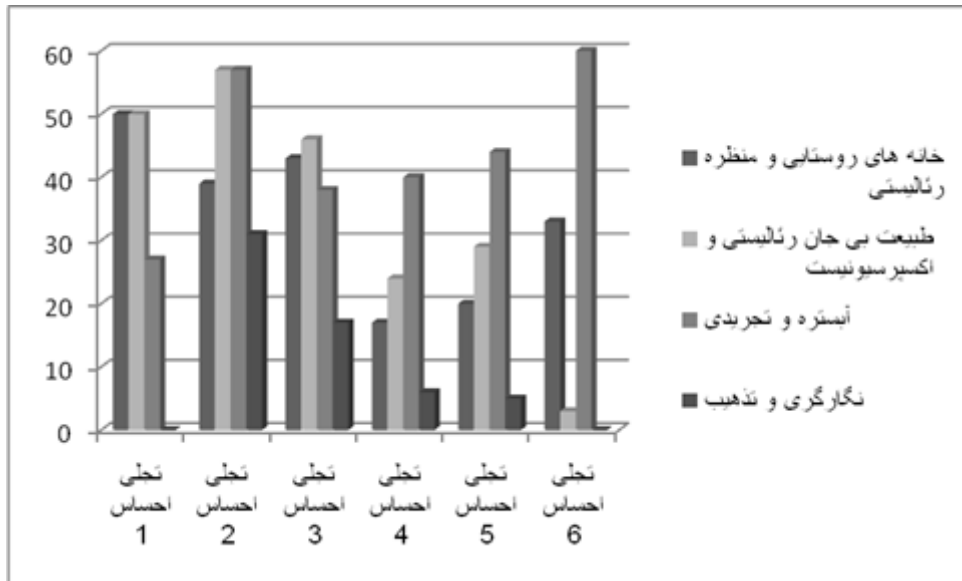
۱. موضوع‌های این نمایشگاه به‌طور جداگانه بررسی شده است؛

۲. برای بررسی میزان توجه به طبیعت و منظره‌های طبیعی، طبیعت بیجان (رئالیستی و اکسپرسیونیستی)، آبستره و تجریدی، نگارگری و تذهیب در نقاشی به‌نمایش درآمدند و از نظر کمیت حضور در نمایشگاه بررسی شدند (جدول ۱). همان‌طور که در جدول شماره یک مشاهده

می‌کنید، آثار بر اساس موضوع مشترکی که در شش دوره به نمایش درآمده، تفکیک و به بررسی آن پرداخته شده است؛ اما در هر دوره نمایشگاه، تعدادی آثار موجود بوده است که در دوره دیگر وجود نداشته است و یا نمی‌توان برای آن دسته یا گروهی خاص در نظر گرفت؛ آثاری نظیر مجسمه‌سازی، خوشنویسی و آثاری که مفهوم خاص بصری نداشته‌اند. به همین سبب برای اندازه‌گیری میزان توجه فرهنگی زنان به این موضوع‌ها و تدقیق گستره نمونه‌گیری، این روش مد نظر قرار گرفته است.



شکل ۲: بررسی کمی آثار ارسالی و ارائه‌شده در نمایشگاه (نگارندگان)

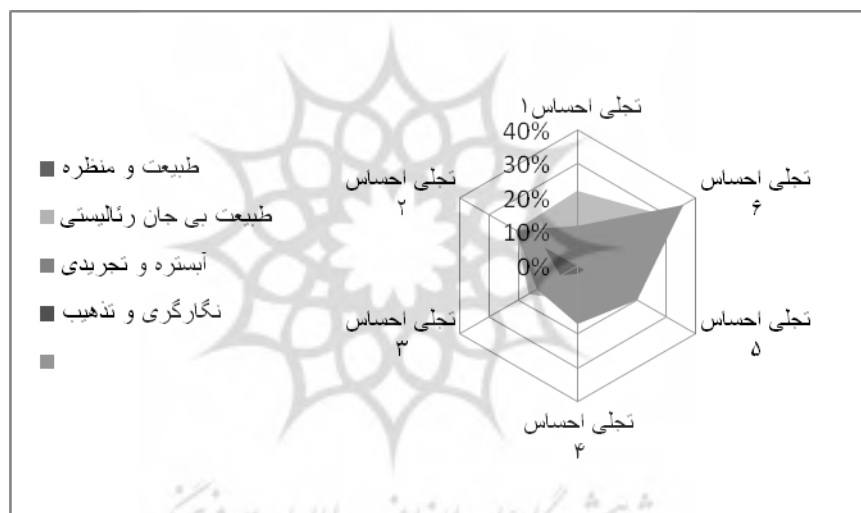
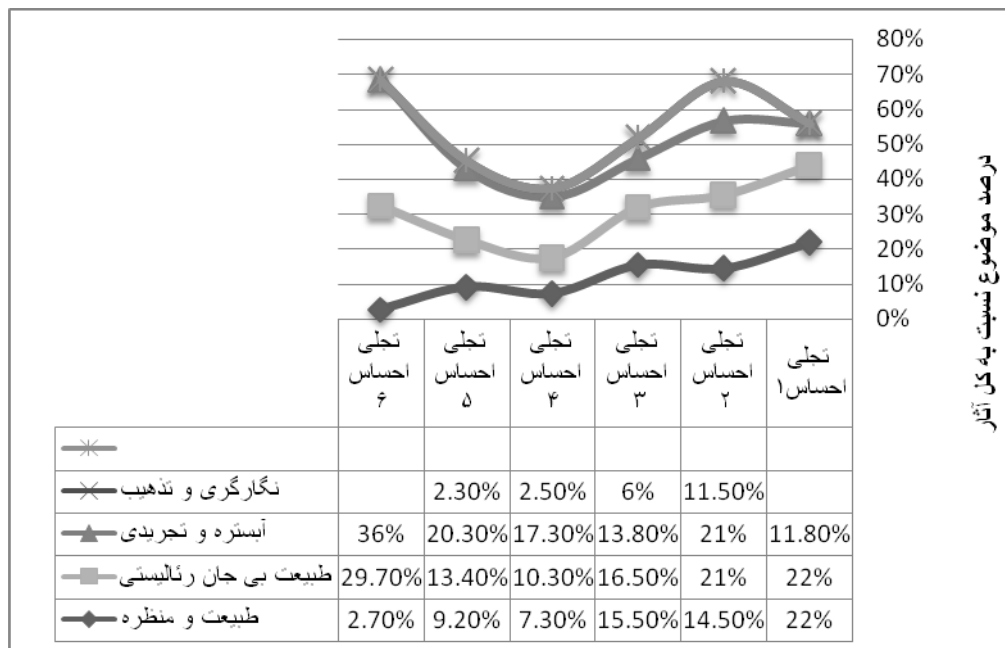


شکل ۳: بررسی کمی موضوعها در آثار نمایشگاه (نگارندگان)

به دلیل اینکه موضوع نمایشگاه آزاد بوده است و هنرمندان نیز امکان ارائه اثر با همه موضوعهای اجتماعی، فرهنگی و... را داشته‌اند، آمار به دست آمده از توجه هنرمندان به عنوانهای گفته شده، عدد قابل توجه و تأملی است (شکل ۴).

بر اساس تحلیل داده‌ها، این نمایشگاه گویای این مطلب است که در همه این دوره‌ها، یعنی از سال ۱۳۷۳ تاکنون شاهد گفتمان سنت و مدرنیسم هستیم که گاه به سوی واپس‌زدن سنت و گاه در چهره بومی‌سازی مدرنیته و در انتها به سوی گفتگو و دادوستدهای زیباشناختی سنت و

بررسی کمی حضور این موضوعها در نقاشی زنان در نمونه‌گیری انجام شده نشان می‌دهد که ۱۰٪ در تمام شش دوره نمایشگاه بررسی شده به‌رغم آنکه موضوع نمایشگاهها آزاد بوده است؛ اما حداقل ۲/۷ درصد تا حداکثر ۲۲ درصد با عنوان طبیعت و منظره و حداقل ۱۳/۴ درصد تا حداکثر ۲۹/۷ درصد با عنوان طبیعت بیجان (رئالیستی) و حداقل ۱۱/۸ درصد تا حداکثر ۳۶ درصد با عنوان آبستره و تجریدی و همچنین ۲/۳ درصد تا حداکثر ۱۱/۵ درصد نگارگری و تذهیب بوده است که این آمار در نگاه اول از نظر کمی مقدار زیادی نیست؛ اما



شکل ۴: بررسی کمی درصد موضوع در آثار (نگارندگان)

ناشی از تحولات فرهنگی و اجتماعی، در جوامع شهری آشفته از تعارضها و جدل‌های ایدئولوژیک، پس از تحولات سیاسی و اعتقادی ناشی از انقلاب و نیز استرس و فشارهای گوناگونی که از در و دیوار محیط زیست امروزی شهروندهای خسته از «رویش هندسی سیمان، سنگ و سقف بی‌کفتر صدها اتوبوس» می‌بارد و هنوز هم می‌بارد، رویکرد مجدد به دامن مهربان و آسایش‌بخش طبیعت، نوعی محکومیت ناشی از محدودیت‌های «روانی-جسمی» عده‌ای از هنرمندان نسل‌های جدیدتر باشد» (پتگر، ۱۳۸۵: ص ۱۰).

مدرنیته است. البته مقصود از مدرنیته، یک نوع زیباشناختی‌ای است که از آن سوی مرزهای ملی آمده و نماینده‌گرایش‌های جهانی است و نشان می‌دهد که جنبش هنر معاصر ایران در زنان تأثیر زیادی گذاشته است.

**بررسی کیفی طبیعت و منظره‌پردازی**  
بسیاری از محققان دلایل حضور دوباره طبیعت و منظره در نقاشی معاصر ایران را به دلیل آشفتگی‌های کالبدی محیط زندگی در شهرهای کنونی می‌دانند. «شاید دافعیت کلان‌شهرها و خستگی از بحران

بدون شک بررسی محتوایی و مفهومی یک اثر هنری به دلیل حساسیت مسئله تأویل شخصی و رویکرد هرمنوتیک دقت بسیاری می‌طلبد. آثار به‌نمایش درآمده به‌گونه‌ای توصیفی و تصویری محض از طبیعت با ستایش همراه با تأمل است. احساس عاطفی به طبیعت به علت وجود آن در محل تولد و رشد هنرمند یا در محل زندگی هنرمند است که هنرمند برای بیان مفاهیم شخصی از آن استفاده کرده است و توجه به این موضوع، در شش دوره نمایشگاه بیشترین آمار را نشان می‌دهد.

### طبیعت بیجان

هنر طبیعت بیجان، نمایش اشیاء غیرمتحرکی است که می‌تواند چیزهایی مانند کوزه، صندلی و گلدان باشد. بیشتر این نقاشی‌ها، مربوط به دوران گذشته و دارای پیام سمبولیک و مذهبی هستند. با گذشت زمان، هنر طبیعت بیجان، مسیرهای مختلفی را طی کرده و در دوران معاصرتر گاهی با شکستن مرز دو بعدی نقاشی با استفاده از مدیاهای مختلف، نمودی سه‌بعدی یافته است و گاهی به شکل‌ها و شیوه‌های مختلف گرافیک کامپیوتری، عکاسی و... نشان داده می‌شود. به‌طور کلی، طبیعت بیجان در مقایسه با نقاشی پرتره و منظره در ساختن کمپوزسیون‌های دلخواه و استفاده از عناصر طراحی و نقاشی، امکانات و اختیارات بیشتری در اختیار هنرمند قرار می‌دهد. در این راستا، می‌توان گفت آثار به‌نمایش درآمده در نمایشگاه از نظر محتوایی و ساختارهای زیبایی‌شناسی شناخت هنرمند در سطح بالایی نیستند و در واقع تصویر عین به عین طبیعت بدون خلاقیت‌های بصری است.

### سبک انتزاعی (آبستره، تجرید)

سبک آبستره بسیار مجهول و نامحسوس و غیرقابل پیش‌بینی و دور از انتظار مخاطبان است. این آثار بیشتر برای تماشا کردن و لذت‌بردن کار هنرمند نقاش است. در این آثار نمی‌توان رؤیت یک صفت اخلاقی یا

یک فضیلت معنوی را انتظار داشت؛ زیرا هنرمند این‌گونه آثار، بدون در نظر گرفتن هیچ‌گونه قصد و موردی به خلق آن دست می‌زند. به همین دلیل آثار آبستره هرگز مشمول نقد منطقی نمی‌شوند. چون از یک ذهن و فکر منطقی تراوش نکرده‌اند. این هنرمندان هرگز نمی‌دانند که چرا و چگونه به این نقطه رسیده‌اند؛ اما هنر تجرید هدف و مقصودی کاملاً معنی‌دار و غایتی اخلاقی-انسانی دارد. در آبستره بیشتر به فرم و رنگ توجه می‌شود. ذکر این نکته لازم است که بر اساس نمونه‌های آماری، بیشترین هنرمندان به این سبک گرایش داشته‌اند. کیفیت آثار به اندازه‌ای که بیانگر جامع و کامل از نظر علمی، بصری و زیبایی‌شناسی نیست و صرفاً به‌عنوان هنر امروزی به آن پرداخته شده است.

### نگارگری و تذهیب

نگارگری هنر ملی و اصیل ایرانی است و همواره شاخه‌ای از نقاشی محسوب می‌شود و از دیرباز در خدمت شعر و ادبیات بوده و با ادبیات پیوند عمیقی داشته است. در واقع، نگارگری با مضمون‌های ملی مورد استفاده قرار گرفته و تنوع رنگی به‌کار رفته در آن برای نمایش طبیعت نیست؛ بلکه وسیله تزیین و آرایش است.

پیدایش هنر نو در قرن بیستم و بی‌توجهی هنرمندان به نگارگری، به وفور قابل مشاهده است. بر اساس نمونه‌گیری‌های به‌عمل آمده در این نمایشگاه نیز در دوره دوم و سوم حضور پررنگی در بین هنرمندان داشته و در بقیه دوره یا نبوده و یا بسیار کم‌رنگ بوده است.

لوسی لپیارد در دهه ۱۹۷۰ از کیفیتی صحبت کرد که هنر زنان را از مردان متمایز می‌کند؛ یعنی هنری که فقط مربوط به زنان است. به نظر او نقاشی‌های زنان دارای یک کانون مرکزی است و اغلب، این مرکز توحالی است. در بسیاری موارد نیز دایره و بیضی است. جزئیات در آن بسیار مورد توجه است و خطوط به‌صورت افراطی به‌کار برده می‌شوند. فرم‌ها و سطوح بسیاری از آثار، دارای تأکید اتوبیو گرافیک و برآمده از زندگی شخصی



هنرمند هستند. گاهی نوعی شکست و قطعه‌قطعه شدن در آثار وجود دارد؛ یعنی آثار نقاشان زن به صورت واحد و یکدست، یک کلیت را تشکیل نمی‌دهند (فشنگی، ۱۳۸۳: ص ۲۹۷).

بر اساس آمار به دست آمده، آثار موجود در این نمایشگاه مؤید این مطلب است که زنان در هنرشان بر جنسیت‌زدایی از اثر تعبدی بود تا بتوانند بدون هیچ ارجاع به زن‌بودنشان خود را هنرمندی تمام و کمال مطرح کنند. امروزه می‌توان وجود تنوع هنر زنانه را زیر سؤال برد؛ می‌توان اعتقاد داشت که هنر زنانه یا مردانه نداریم و در تعیین سبک یک اثر هنری، عوامل تاریخی، سیاسی و اجتماعی در مقایسه با جنسیت هنرمند عوامل مؤثری هستند؛ اما به هر حال تجربه زیستی و جایگاه اجتماعی زنان با مردان متفاوت است و این تفاوت در آثار آن‌ها قابل بررسی است.

بر اساس تحقیق میدانی به عمل آمده، استادان دانشگاه‌ها به این امر اعتقاد دارند و آن را تأیید می‌کنند. آنان بر این باورند که این نمایشگاه، زمانی معنی خواهد داشت که نمایشگاهی از آثار مردان نیز برای قیاس در برابر آثار زنان برپا شود. زنان نقاش شرکت‌کننده در نمایشگاه تجلی احساس از لحاظ تکنیک و سبک، رمانتیک و تزئین‌گرا هستند و در آثارشان از خطوط سیال و خطوط دورگیر استفاده بسزایی کردند و بعضی از آنان از انواع رنگ بهره فراوان بردند که به صورت تصویرهای نانیف، رئالیستی، مدرنیسم و غیره ارزیابی شده‌اند.

### نتیجه‌گیری

بررسی آثار نقاشی معاصر ایران نشان می‌دهد که موضوع‌های موجود در نمایشگاه تجلی احساس (طبیعت، طبیعت بیجان و سبک‌های آبستره و تجرید، نگارگری) به عنوان دو امر مهم مورد توجه هنرمندان قرار گرفته است و از نظر کمی در تعداد قابل توجهی از آثار به آنان پرداخته شده است. همچنین، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که زنان به این گونه موضوع‌ها حساسیت دارند و توجه بیشتر به محیط نشان می‌دهند.

در بررسی کیفی آثار می‌توان گفت بیشترین آمار به دست آمده مربوط به موضوع طبیعت، طبیعت بیجان و آبستره بوده است که به صورت ارائه توصیف و تصویری محض از این عنوان‌هاست. احساس عاطفی عمیق به این موضوع‌ها، به علت ارتباط نزدیک هنرمند با آن یا در ارتباط با محیط زندگی اوست. زنان با استفاده از موتیف‌ها و نمادهای سنتی به بازشناسی اقلیم خاص از میراث ملی خویش پرداخته‌اند؛ از فضا برای نمایش فرهنگ سنتی و گاه در قالب مدرن، نهایت مفهوم و صور را در ژرفای تجربه‌های تجسمی به تصویر کشیده‌اند.

یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که در تمام این دوران، به خصوص دوره‌های پایانی نمایشگاه شاهد گفتمان‌های سنت و مدرنیسم بوده‌ایم که گاه به سوی واپس‌زدن سنت، گاه به سوی نبرد سنت و مدرنیته، گاه در چهره بومی‌سازی مدرنیته و در انتها به سوی گفتگو و دادوستدهای زیباشناختی بوده‌اند. اگر بستر مناسبی در جامعه برای زنان فراهم بیاید، آنان قدرت خلق آثار عظیم، بدیع، خلاق و ماندگار را خواهند داشت و در جامعه هویت حقیقی خود پیدا می‌کنند که همانا هویت انسان است.

## منابع

- حجازی، بنفشه، (۱۳۸۱)، *ضعیفه، بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر صفوی*، تهران، قصیده‌سرا.
- جنسن، هورست ولدمار، (۱۳۷۹)، *تاریخ هنر*، ترجمه پرویز مرزبان، تهران، انقلاب اسلامی.
- رهنورد، زهرا، (۱۳۸۵)، «بررسی جایگاه زن در هنرهای تجسمی»، *مطالعات زنان*، ش ۱، ص ۴.
- فشنگی، مینا، (۱۳۸۳)، *بازتاب تفکرات فمینیستی بر آثار هنری زنان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد، ص ۲۹۷.
- نراقی، سولماز، (۱۳۸۵)، «صدای تجربه‌های زنان»، *ماهنامه زنان*، ش ۱۳۶، ص ۴۵.

